

لابی‌گری و هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی (IASB) ؛ مروری بر رفتار لابی‌گری

محسن محرم‌خانی

دانشجوی دکتری تخصصی حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین

فاطمه حاتمی

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین

چکیده:

کسب منافع حداکثری، اغلب موارد به عنوان دغدغه‌ای است که در حسابداری و بطور کلی در علم اقتصاد مطرح می‌شود. یکی از جمله مواردی که این امر را می‌تواند محقق کند، همان وجود قوانین و مقررات حاکم بر رفتار شرکتها و بطوری کلی در محیط حسابداری است. بطوری که احزاب و گروه‌ها ذاتاً خواستار مصوب شدن قوانین و مقرراتی هستند که کمترین مخاطرات از جمله در بخش مالی و بیشتر منافع از قبیل منافع مالی، مشروعیت اجتماعی و ... را برای آن گروه را در پی داشته باشد. وجود مذاکرات و رایزنی‌ها و یا به اصطلاح لابی و لابی‌گری امری است غیر قابل انکار و از طرفی چنین موضوعی به اشکال مختلف و در سطوح مختلف رخ می‌دهد. در واقع لابی‌گری در فرایند تصویب مقررات و استانداردهای حسابداری هم وجود دارد. که گاهاً تنظیم‌کنندگان و یا مصوب‌کنندگان استانداردها و به عبارت کلی‌تر، مقررات استانداردهای حسابداری را تحت فشار و یا مورد سوگیری خود قرار می‌دهند. با توجه به نقش و اهمیت این موضوع، در این مقاله به تبیین موضوع لابی‌گری و اثرات آن و همچنین به بیان اشکال مختلف لابی‌گری در حوزه تنظیم مقررات حسابداری به خصوص هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی (IASB)، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

کلید واژه ؛ لابی‌گری ، هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی (IASB)

**Lobbying and the International Accounting Standards Board (IASB) ;
an Overview of Lobbying Behavior**

Mohsen Moharram Khani

PhD Student of Accounting / Qazvin Islamic Azad University

Abstract

Maximizing Profits is Often a Concern in Accounting and Economics in General. One of the Things that Can Achieve This is the Existence of Rules and Regulations Governing the Behavior of Companies and in the accounting environment in general. So that Parties and Groups inherently Want the Adoption of Laws and Regulations that have the least Risks, Including in the financial Sector and Most Benefits Such as Financial Interests, Social Legitimacy, etc. For that group. The existence of negotiations and consultations, or so-called lobbying and lobbying, is undeniable, and on the other Hand, Such an Issue Occurs in Different Forms and at Different levels. In fact, There is Lobbying in the Process of Approving Accounting Rules and Standards. SOMETIMES Regulators or Adopters of Standards, and More Generally, Regulate or Bias the Provisions of Accounting Standards. Given the Role and Importance of this Issue, this Article Examines the Issue of Lobbying and its Effects, as Well as the Expression of Various Forms of Lobbying in the Field of accounting regulation, especially the international accounting standards board (iasb). Takes.

Keyword ; Lobbying, International Accounting Standards Board (IASB)

مقدمه

همواره تعداد نامحدود استفاده‌کننده گان و محدودیت در منابع در دسترس، باعث ایجاد موانعی در جهت کسب رضایت جمعی شده است. در چنین شرایطی آنچه باید لحاظ شود، خواست و توجه به نیاز جمعی و اکثریت استفاده‌کنندگان است. در این زمان است که حرفه حسابداری در میان تعارضات از قبیل نحوه محاسبه درآمد، سرمایه و... و انواع روشهای اندازه‌گیری قرار می‌گیرد. تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی به جهت حل این معضلات حسابداری، باید روش یا راه حلی انتخاب کنند که در نهایت اطلاعات مفیدی در اختیار کاربران قرار دهند. دمکسی (۱۹۷۴) مثالی را نشان می‌دهد که در یک اقتصاد ساده، سیاست تغییرات اطلاعات از جمله تغییرات در انتخاب حسابداری یا تغییرات در استانداردهای حسابداری، به فعالان و بازیگران آن محیط اقتصادی، همان اطلاعات قبلی را می‌دهد، در واقع این امر همان توزیع مجدد ثروت است.

گاهاً یک تغییر کوچک در استانداردهای حسابداری، جریان منافع اقتصادی طرفین را به طور اساسی تغییر دهد. که این امر باعث ایجاد انگیزه‌هایی قوی را برای تحت تاثیر گذاشتن روند تنظیم استانداردها را، در بر داشته باشد. که اهداف رقابتی طرفین احزاب، باعث ایجاد تعارضاتی در محتوای استانداردهای حسابداری می‌شود. در چنین شرایطی برای حل و کاهش این درگیری‌ها نیاز به ایجاد یک فرایند رسمی و قانونی برای توسعه استانداردهای گزارشگری مالی (از جمله؛ بحث‌های عمومی، مشاوره، دعوت نامه‌های تفسیری و غیره) ضرورت دارد. در همین راستا؛ دعوت از تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی، حساب‌رسان، تنظیم‌کنندگان و... در جلسات آماده‌سازی استانداردهای جدید، از جمله موارد فرایند رسمی سازی تدوین استانداردها محسوب می‌شود. همچنین مشارکت فعال احزاب و گروه‌های علاقه‌مند، جزء شروط لازم برای بررسی کیفیت استانداردها جدید لحاظ می‌شود و از طرفی میزان فعالیت آنها نشان از اهمیت و تاثیر استانداردها بر هر یک از طرفین و شرط لازم برای مشروعیت بخشیدن آن استاندارد جدید است. (پروچازکا، ۲۰۱۵)

بنابراین تجزیه و تحلیل رفتار لابی‌گری در فرآیند تنظیم استاندارد برای تنظیم‌کنندگان استاندارد (تنظیم‌کننده‌ها) و همچنین تحقیقات حسابداری از اهمیت برخوردار است. فصل بعدی با جزئیات بیشتری به بررسی ادبیات در این زمینه می‌پردازد. مقاله در مورد لابی‌گری در مورد استانداردهای گزارشگری بین‌المللی IASB است. IASB یک نهاد مستقل است و روند تعیین استاندارد آن به طور رسمی تحت صلاحیت قانونی و سیاسی نیست. باز بودن روند دادرسی مناسب برای نظرات رقابتی برای پذیرش عمومی رهنمودهای پیشنهادی ضروری است. (همان، ۲۰۱۵).

این مقاله بدنبال بررسی ادبیات مروری بر حول محوریت موضوع لابی‌گری و لابی‌گران است. از جمله لابی‌گری در تنظیم مقررات و استانداردهای گزارشگری حسابداری و همچنین تاثیرگذاری لابی‌گری بر اعضای تدوین‌کنندگان استانداردهای بین‌المللی (IASB) را شامل می‌شود. برای بررسی این موضوعات از چندین منبع با موضوع لابی‌گری استفاده شده که هر یک دوره‌های زمانی خاص خود را شامل می‌شود.

نتایج چندین مقاله استفاده شده در این مقاله مروری مبین آن است که اعضای تدوین‌کننده استانداردها و مقررات حسابداری تحت تاثیر فشار لابی‌گران قرار می‌گیرند و همچنین موضوعات مصوب شده در چنین نشست‌هایی هم دست‌خوش سوگیری‌هایی می‌شود که نتیجه وجود لابی و لابی‌گران در حسابداری است.

ساختار مقاله به این شرح است که پس از این مقدمه، ادبیات مربوط به لابه‌گری در مورد استانداردهای حسابداری بررسی می‌شود سپس انواع روش‌های لابی‌گری و موارد مشابه استفاده از لابی‌گری و سپس انواع داده‌هایی که برای تجزیه تحلیل می‌توان در این حوزه از آن استفاده کرد را بیان می‌شود. و در انتها؛ قسمت نتیجه‌گیری و بیان پیشنهادات و محدودیتهای پژوهش در این حوزه ارائه می‌گردد.

چارچوب نظری

فرایند استانداردسازی معمولاً به عنوان یک فرایند سیاسی نشان داده می‌شود، که زمینه حضور فعال علاقه‌مندان در این فرایند برای طیف وسیعی از گروه‌ها، به واسطه جذابیت موضوعیت آن، مهیا است. لابی‌گران، منابع کمیاب را برای تغییر یا حفظ وضع موجود و همچنین بدست آوردن منافع اقتصادی خرج می‌کنند (واتس، زیمرمن، ۱۹۷۸؛ زف، ۲۰۰۲). هدف از رانت خواری (کروگر، ۱۹۷۴) در زمینه گزارشگری مالی، تأثیر بر تصمیم یک تنظیم‌کننده استاندارد، جهت ارائه روش‌های متعدد حسابداری است که این امر ممکن است توزیع جریانهای نقدی را تغییر دهد یا مزایای دیگری را به نفع یک موضوع، لابی کند (اردلهاید، ۲۰۰۴). ساتن (۱۹۸۴) انگیزه‌های احتمالی، روش‌ها، زمان‌بندی و... را بعنوان جنبه‌هایی از لابی بیان می‌کند. تحقیقات در مورد لابی حسابداری معمولاً (جورجیو، ۲۰۰۴) بر روی (الف) روشها (استفاده از نامه‌های تفسیر، تماس مستقیم با تنظیم‌کنندگان استاندارد، ارتباط غیرمستقیم از طریق نمایندگان سیاسی و...) متمرکز می‌شود. (ب) زمان لابی (در دوره آماده‌سازی، در طول مدت نظر و...)؛ (ج) شکل مشارکت (از طرف خود، یا به عنوان عضو اتحاد). (د) استدلال‌هایی که در طول لابی‌گری استفاده می‌شود (اقتصادی، مفهومی و...). (پروچازکا، ۲۰۱۵)

ادبیات حسابداری در مورد لابی را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد (استنکا، تیلور، ۲۰۱۰). جریان اول؛ بررسی انگیزه شرکت‌کنندگان در روند دادرسی، از جمله نگرش‌ها، نظرات، مخالفت‌ها و پیشنهادات آنها و جریان دوم؛ توانایی بررسی تأثیر لابی‌ها در تصمیم‌گیری استانداردها. بیان این نکته ضروری است که کشف دلایل و چرا وجود لابی‌ها و تصمیم‌گیری در این خصوص، کار پیچیده‌ای است زیرا: (الف) هیچ مدل قوی از عقلانیت اقتصادی لابی‌گری برای همه گروه‌های ذینفع در دسترس نیست. (ب) لابی‌ها رفتار استراتژیک دارند. و (ج) محققان عمدتاً بر لابی‌گری از طریق نامه‌های تفسیری تمرکز می‌کنند. رفتار اقتصادی یک لابی‌گرا توسط رابطه بین منافع مورد انتظار و هزینه‌های لابی‌گری شکل می‌گیرد. در صورت لابی بر روی استانداردهای حسابداری (شالو، ۱۹۹۵)، تجزیه و تحلیل هزینه و منفعت مستلزم ارزیابی (الف) افزایش مورد انتظار در سود حاشیه‌ای لابی‌گر از تغییر در استانداردهای حسابداری است. (ب) توانایی تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیرنده استاندارد؛ (ج) هزینه‌های مورد انتظار برای لابی. با این حال، مدل منطقی لابی‌گری توسط ساتون تعریف شده است. (همان، ۲۰۱۵)

در جدول شماره ۱، اورنس، جورینسن، لیبارت و تاس (۲۰۱۱) مجموعه‌ای از استراتژی‌های لابی را توصیف می‌کند، که می‌تواند در مراحل مختلف فرآیند تنظیم استاندارد IASB استفاده شود.

جدول ۱ - روش‌های مشارکت برای تأثیرگذاری بر IASB

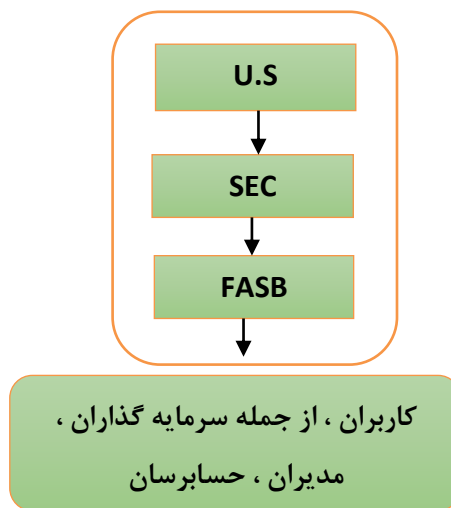
روش‌های غیررسمی لابی	روش‌های رسمی لابی	
- شرکت در جلسات خصوصی یا کنفرانس از راه دور با اعضای هیئت مدیره.	- ارسال نامه‌های نظر عمومی در مورد استانداردهای پیشنهادی. - مشارکت در گروه‌های پروژه به عنوان مشاور. - شرکت در بحث‌های میزگرد عمومی	روش‌های لابی مستقیم
- واسطه‌گری از طریق حسابرس خارجی. - واسطه‌گری از طریق انجمن‌ها.	- ارسال نظرات به اعضای شورای مشورتی IFRS (قبلاً به عنوان شورای مشورتی استاندارد - SAC شناخته می‌شد). - ارسال نظرات به گروه مشاوره گزارشگری مالی اروپا (EFRAG).	روش‌های لابی غیرمستقیم

منبع: (ساتنوس، ۲۰۱۴)

گاهی ممکن است برای تجزیه و تحلیل انگیزه لابی‌گری گروه‌های کل یا ارگانهای جمعی کافی نباشد. رویکردهای جایگزین، به عنوان مثال از تئوری نهادی (کنی، لارسون، ۱۹۹۵؛ گینر، آرس، ۲۰۱۲) استفاده می‌شود. صرف نظر از مدل رفتاری مورد استفاده، تحقیقات قادر به تشخیص ابعاد استراتژیک (غیر لابی نیست) (آمریشی و همکاران، ۱۹۸۲). طرفین متضرر ممکن است برای دستیابی به جایگاه بهتر هنگام تلاش برای تأثیرگذاری بر استاندارد با تأثیر بیشتر بر سودمندی خود، لابی را با استاندارد نسبتاً کم اهمیت تسلیم کنند (زف، ۲۰۰۵). آخرین محدودیت

ادبیات در مورد لابی حسابداری به این واقعیت اشاره دارد که محققان نمی‌توانند سایر اشکال لابی را به سختی از طریق نامه‌های تفسیری بررسی کنند (هافمن و همکاران ۲۰۱۰). مشاهده تمام جلسات شخصی لابی‌گران با تنظیم‌کنندگان استاندارد و موضوع گفتگوهای آنها غیرممکن است. علاوه بر این، لابی‌گران ممکن است غیر مستقیم از طریق سیاستمداران عمل کنند. علیرغم تأثیر فشار سیاسی بر استانداردهای حسابداری کاملاً مستند است (سلیمانز، ۱۹۷۸)؛ (جورجیو، ۲۰۱۰)؛ (کونیگسگروبه، ۲۰۱۰)؛ (زولچ و هافمن، ۲۰۱۰)؛ (زف، ۲۰۱۲)؛ (کرافورد و همکاران، ۲۰۱۴)، احزاب لابی‌گری پشت سیاستمداران پنهان هستند و ناشناخته مانده است. به جز تجزیه و تحلیل کلی لابی در مورد استانداردهای حسابداری، تحقیقات حسابداری همچنین جنبه‌های مختلف لابی در فعالیت‌های IASB را عنوان می‌کند. لابی در مورد استانداردهای خاص توسط (کنی و لارسون، ۱۹۹۳)، (گوتتر و حاسین، ۱۹۹۵)، (لارسون و براون، ۲۰۰۱)، (چی چیو کواک و شارپ، ۲۰۰۵)، (جینر و آرس، ۲۰۱۲) بررسی شده است. رفتار لابی‌تهیه‌کنندگان توسط لارسون (۱۹۹۷) مورد توجه قرار گرفته است. عوامل موثر در تصمیم‌گیری کاربران برای لابی توسط جورجیو (۲۰۱۰) موشکافی می‌شود. تأثیر ارزشهای فرهنگی بر لابی‌تهیه‌کنندگان حسابداری موضوع مطالعه (مک آرتور، ۱۹۹۹) است، مشخصات ملی لابی‌تهیه‌کنندگان توسط (اورنس و همکاران، ۲۰۱۱) مورد بررسی قرار می‌گیرد. علاوه بر این، تجزیه و تحلیل مشارکت رسمی در دادرسی IASB از طریق نامه‌های تفسیری طی دوره ۱۹۸۹ و ۱۹۹۲ توسط (کینی و لارسون، ۱۹۹۵) پردازش شد. تجزیه و تحلیل مشابه در طی دوره ۲۰۰۲-۲۰۰۶، از جمله ترکیب و استراتژی گروه‌های مختلف لابی، توسط (اورنس و همکاران، ۲۰۱۲) انجام شده است. (پروچازکا، ۲۰۱۵)

شکل ۱- سلسه مراتب تنظیم استاندارد حسابداری در ایالات متحده



منبع: رونالد (۲۰۱۰)

در پژوهشی دیگر، آمرشی و همکاران (۱۹۸۲) استدلال می‌کنند که با توجه به ماهیت بهم وابسته و پی در پی روند لابی‌گری، همیشه نمی‌توان برای افشاء ترجیحات واقعی در مورد یک مسئله خاص به رفتار لابی‌گری، اعتماد کرد. همچنین توضیح داده شده است که لابی‌گرها ممکن است نگرانی‌های خود را در فرامین حذف کنند یا به طور مستقیم آنها را برطرف نکنند، زیرا ممکن است نظرات آنها برای عموم غیرقابل قبول باشد یا واکنش‌های نامطلوب اقتصادی یا سیاسی به دنبال داشته باشد. (آنگ و همکاران، ۲۰۰۰)

جدول ۱ مطالعات دیگر در حوزه لابی‌گری

نویسنده و زمان پژوهش	هدف پژوهش
----------------------	-----------

نویسنده و زمان پژوهش	هدف پژوهش
Kenny and Larson (1993)	بررسی لابی در مورد پیش نویس قرار گرفتن در معرض سرمایه گذاری های مشترک.
Meier, Alam and Pearson (1993)	تحقیق در مورد لابی های انجام شده توسط موسسات حسابداری در مورد هفت استاندارد پیشنهادی موثر بر بانک ها و انجمن پس انداز و وام ملاقات
Weetman, Daviea Collinsnd (1996)	به سوالات آیا می توان استراتژی های لابی گران را شناسایی کرد؟ (ب) دلایل احتمالی عدم شرکت های لابی نظر ارسال نمی کنند؟
Larson (1997)	بررسی خصوصیات پاسخ دهندگان و تجزیه و تحلیل تفاوت های قابل توجه بین شرکت های لابی و غیر شرکت های لابی گری با توجه به اندازه شرکت ، کشور مبدا پاسخ دهندگان (۱۳ کشور) و لیست موجود در سهام مبادلات (ایالات متحده)
McLeay, Ordelheide and Young (2000)	بررسی تأثیر فعالیت های لابی بر مقررات حسابداری آلمان با توجه به موقعیت تهیه کنندگان ، حسابرسان و دانشمندان
Hill, Shelton and Stevens (1993)	فعالیت های لابی گری را در روند صدور (حسابداری برای خسارت مبتنی بر سهام) SFAS ۱۲۳ بررسی کنید
Georgiou (2004)	اثر بخشی لابی را در مراحل مختلف فرآیند نظارتی ، یعنی مراحل اولیه (شکل گیری لابتوار) تجزیه و تحلیل کنید دستور جلسه بحث هیئت مدیره) و مراحل بعدی (دوره مشاوره عمومی در مورد پیش نویس استاندارد).
Georgiou (2005)	با تجزیه و تحلیل مجموعه ای از رویدادها (تنظیم چندین مورد) ، روند استراتژی لابی توسط شرکت ها را در طولانی مدت به دست آورید با گذشت زمان
Georgiou (2010)	ماهیت و میزان مشارکت مدیران صندوق های سرمایه گذاری انگلستان را در روند تنظیم استاندارد تحقیق کنید IASB طی سالهای ۲۰۰۱-۲۰۰۶.
Stenka and Taylor (2010)	پیچیدگی فعالیت های لابی را در چهار پیش نویس در معرض درک قرار دهید. لابی گرها به دو گروه طبقه بندی می شوند (شرکتی) و تجزیه و تحلیل با استفاده از ANOVA و رگرسیون یک متغیره انجام می شود
Hansen (2011)	شواهدی از چگونگی تولید استانداردهای IASB در حضور لابی گران با ترجیحات مختلف ارائه دهید. اظهار نظر نامه ها (۶۲۹ نامه) ارسال شده در طول پنج مشاوره عمومی سازمان یافته توسط IASB استفاده شد.
Larson and Kenny (2011)	رفتار IASB را هنگام صدور استانداردهای حسابداری در مورد کمک های مالی داوطلبانه دریافت کنید از رأی دهندگان آن.
Bengtsson (2011)	از نظریه نهادی برای بررسی چگونگی پاسخ IASB به فشار سیاسی اتحادیه اروپا به دنبال آن استفاده کنید بحران مالی جهانی همانطور که براساس استانداردهای ابزار مالی مشاهده شده است.
Koh (2011)	ویژگی های شرکت ها را در مورد تصمیم به لابی یا عدم بررسی بررسی کنید. برای شرکت هایی که نظرات خود را در مورد FASB ارائه داده اند استاندارد گزینه سهام ، این مطالعه تجزیه و تحلیل اینکه آیا لابی مخالف یا مخالف استاندارد مورد بحث است.

هدف پژوهش	نویسنده و زمان پژوهش
رفتار لابی‌گرها را براساس تئوری نهادی تجزیه و تحلیل کنید و تأثیر لابی‌گران را در تصمیمات IFRS ۲ در مورد IASB سازمان ارزیابی کنید	Giner and Arce (2012)

منبع: (سانتون، ۲۰۱۴)

لابی‌گری و نظریه تنظیم

به گفته ویسکوزی، (هارینگتون و ورنون، ۲۰۰۵)، نظریه تنظیم^۱ را می‌توان از سه زاویه دید: نظریه منافع عمومی، تئوری ضبط و نظریه اقتصادی مقررات، که به عنوان تئوری گروه بهره نیز شناخته می‌شود. این مطالعه چشم انداز نظریه اقتصادی تنظیم را تصویب می‌کند. فرض اصلی نظریه اقتصادی مقررات این است که مقررات برای تأمین نیازها و کمک به رفاه گروه‌های ذینفع که بیشترین فشار را به تنظیم‌کنندگان استاندارد وارد می‌کنند، اجرا می‌شود (ویسکوزی، هارینگتون و ورنون، ۲۰۰۵) با توجه به این فرض، نظریه اقتصادی تنظیم به عنوان تئوری گروه بهره نیز شناخته می‌شود. نمایشگاه اصلی بخش‌های نظریه اقتصادی مقررات پژوهشگران (استیگلر، ۱۹۷۱)، (پوزنر، ۱۹۷۴)، (پلتزمن، ۱۹۷۶) و (بکر، ۱۹۸۳) هستند. (سانتون، ۲۰۱۴)

مطابق نظریه مقررات اقتصادی، تنظیم مجدد برای تأمین منافع گروه‌هایی انجام می‌شود که از نظر سیاسی در متقاعد کردن تنظیم‌کنندگان برای اقدام به نمایندگی از آنها موثرتر هستند. (واتز و زیمرمن، ۱۹۷۸، ۱۹۸۶)، مطابق با (استیگلر، ۱۹۷۱)، (پلتزمن، ۱۹۷۶) و (پوزنر، ۱۹۷۴)، تصور می‌کنند که افراد برای به حداکثر رساندن سودمندی خود عمل می‌کنند و بنابراین، روند تنظیم حسابداری (استاندارد سازی) نتیجه یک روند سیاسی که در آن افراد و گروه‌ها برای انتقال ثروت با یکدیگر رقابت می‌کنند. (همان، ۲۰۱۴)

(استیگلر، ۱۹۷۱) و (پلتزمن، ۱۹۷۶) استدلال می‌کنند که تئوری در روند سیاسی بر انگیزه‌های افراد برای جمع شدن در گروه‌ها به منظور لابی‌گری (تنظیم‌کننده‌های نفوذ) برای انتقال ثروت متمرکز اقتصادی است. بنابراین، طبق گفته (سولومونز، ۱۹۷۸)، با فرض سیاسی بودن روند تنظیم استاندارد، استاندارد‌های حسابداری ضرورتاً از طریق مباحث نظری یا فنی هدایت نمی‌شوند، بلکه براساس منافع مختلف طرف‌های آسیب‌دیده، که برای منافع فردی فشار وارد می‌کنند، هدایت می‌شوند. (همان، ۲۰۱۴)

طبق گفته (کوتاری، رامانا و اسکینر، ۲۰۱۰)، مجریان با ایدئولوژی‌های خاص خود برخوردار هستند و استانداردها نتیجه مشترک ایدئولوژی‌های ناظران و تأثیرات فشار (لابی) است که توسط گروه‌های ویژه داخلی انجام می‌شود. طبق این تئوری، لابی‌گری به عنوان یک فعالیت غیرقانونی یا غیراخلاقی تلقی نمی‌شود بلکه به عنوان مکانیسمی شناخته می‌شود که از طریق آن تنظیم‌کننده‌ها از سیاست‌ها و شیوه‌های شرکت‌ها مطلع می‌شوند. مطالعات مربوط به لابی‌گری در مقررات حسابداری را می‌توان زیرمجموعه مطالعات مربوط به انتخاب حسابداری دانست (فرانسیس، ۱۹۸۷، کنی و لارسون، ۱۹۹۳) زیرا با توجه به (فرانسیس، ۲۰۰۱)، فعالیت‌های لابی‌گری تنها یک بعد از انتخاب حسابداری است. (همان، ۲۰۱۴)

طبق نظر (فیلدز، لیس و وینسنت، ۲۰۰۱)، یک انتخاب محاسبه‌کننده تصمیمی است که هدف اصلی آن تأثیرگذاری (به شکل یا ماهیت) بر خروجی سیستم حسابداری باشد. بر اساس این تعریف، تئوری انتخاب حسابداری با تئوری گروه‌های ذی‌نفع پیوند خورده است زیرا انتخاب حسابداری بر اساس مشوق‌های مختلف اقتصادی موجود است و چنین انگیزه‌هایی در خود فرایند تنظیم وجود دارد. بنابراین، مدیران برای بدست آوردن استانداردهایی که از ابتدا با تعاملات آنها مطابقت دارند، از بدنه توسعه استاندارد در بدو توسعه استاندارد لابی‌گری می‌کنند. (همان، ۲۰۱۴)

(واتز و زیمرمن، ۱۹۸۶) سه فرضیه راجع به گزینه‌های حسابداری شرکت‌ها که مربوط به روند تنظیم حسابداری است، فرموله کردند: (۲) فرضیه میثاق بدهی، که پیش‌بینی می‌کند مدیران گزینه‌هایی را انتخاب می‌کنند که از نقض شرایط وام جلوگیری کند. و (۳) فرضیه هزینه‌های

سیاسی، که بیان می‌کند مدیران گزینه‌های حسابداری را انتخاب می‌کنند که از نظرات سیاسی و عمومی جلوگیری می‌کند. به طور خاص، فرضیه غرامت مدیریت، که به عنوان فرضیه طرح پاداش شناخته می‌شود، بیان می‌کند که مدیرانی که غرامت متغیر دریافت می‌کنند (به عنوان مثال پاداش، سهام یا اختیارات سهام) اغلب از روش‌های حسابداری استفاده می‌کنند که درآمد گزارش شده را از دوره‌های آینده به دوره فعلی تغییر می‌دهند، در نتیجه جریان متغیر آنها برای دوره فعلی افزایش می‌یابد. (همان، ۲۰۱۴)

در مورد فرضیه میثاق بدهی، (واتز و زیمرمن ۱۹۸۶) استدلال می‌کنند که مدیران شرکت‌هایی که درجه بدهی بالاتری دارند، به احتمال زیاد از روش‌های حسابداری که سود را افزایش می‌دهند استفاده می‌کنند. فرض این است که هرچه سطح بدهی بیشتر باشد، بیشتر نیز خواهد بود. شرکت با محدودیت‌ها و شرایط اعمال شده توسط طلبکاران خفه خواهد شد و هرچه محدودیت‌های اعمال شده توسط طلبکاران سختگیرانه‌تر باشد، شباهت شرکت به نقض محدودیت‌ها بیشتر خواهد بود. با افزایش سود شرکت، مدیران در نهایت محدودیت‌های اعمال شده توسط طلبکاران را کاهش می‌دهند.

(واتز و زیمرمن، ۱۹۸۶) معتقدند طبق فرضیه هزینه‌های سیاسی، نویسندگان تصور می‌کنند که شرکت‌های بزرگ تمایل دارند از روش‌های حسابداری که بیشتر از شرکت‌های کوچک سود را کاهش می‌دهند استفاده کنند، زیرا اندازه بر میزان توجه سیاسی توسط یک شرکت تأثیر می‌گذارد. فرض این است که سود بیشتر ممکن است توجه ناخوشایند تنظیم‌کننده‌ها، انجمن‌های حرفه‌ای، رسانه‌ها، محیط بانان و گروه‌های مصرف‌کننده را به خود جلب کند. همچنین (واتز و زیمرمن، ۱۹۸۶) استدلال می‌کنند که تنظیم مطابق با منافع گروه‌هایی انجام می‌شود که از نظر سیاسی موثرترند هستند تا تنظیم‌کننده / تنظیم‌کننده استاندارد را متقاعد کنند که از طرف آنها عمل کند، که با نظریه اقتصادی مقررات سازگار است.

با همسویی انتخاب حسابداری با روند تنظیم حسابداری، مدیران انگیزه‌های اقتصادی برای لابی کردن تنظیم‌کنندگان بر علیه یا برای استانداردهای حسابداری دارند که مدیران را قادر می‌سازد، به عنوان مثال، پرداخت مالیات را کاهش دهند یا به تعویق بیندازند کاهش هزینه‌های سیاسی و تولید اطلاعات (افشای اطلاعات)؛ یا دریافت پاداش را افزایش دهد. (واتز و زیمرمن، ۱۹۸۶) با استفاده از تجزیه و تحلیل تفکیکی، بر روی نمونه ۵۲ نامه نظرات ارسال شده توسط شرکت‌ها در یادداشت بحث FASB در مورد استاندارد توافق برای تنظیمات عمومی سطح قیمت، فرضیه‌های تدوین شده را آزمایش کردند و نتیجه گرفتند که مدیران انگیزه‌های اقتصادی برای لابی‌گری تنظیم‌کننده در روند تنظیم استاندارد شرکت کنید. (سانتون، ۲۰۱۴)

چندین مطالعه دیگر در مورد لابی در مورد مقررات حسابداری بر اساس کار (واتز و زیمرمن، ۱۹۸۶) انجام شده است. به عنوان مثال، (فرانسیس ۱۹۸۷) و بعداً، (جین و همکاران، ۱۹۹۳) روند صدور SFAS 87 (حسابداری کارفرمایان برای حقوق بازنشستگی) را بررسی کردند. در مطالعه اول، (فرانسیس ۱۹۸۷) یک مدل منطقی فرموله کرد که برای نمونه‌ای از ۲۱۸ شرکتی که نامه‌های نظر درباره دیدگاه‌های اولیه FASB درباره SFAS 87 (شرکت‌های لابی‌گری) و ۵۸۲ شرکت دیگر (غیر لابی‌گری) ارسال کردند، اعمال شد. شرکت‌ها (نویسندگان فرضیه‌های مربوط به اندازه، بدهی (به عنوان یک پروکسی برای اثرات استاندارد در ترازنامه) و هزینه‌های بازنشستگی (به عنوان یک پروکسی برای اثرات استاندارد بر صورت مالی) فرموله شده‌اند. نتایج نشان داد که اندازه تنها عامل مهم در تصمیم‌گیری برای لابی یک نهاد تنظیم‌کننده استاندارد نیست. بلکه این احتمال نیز وجود دارد که استاندارد جدید اثرات سوئی بر صورتهای مالی بگذارد.

ندوبیز و همکاران (۱۹۹۳) گام پیش‌نویس SFAS87 را با استفاده از نمونه‌ای از ۱۸۰۲ بنگاه مورد بررسی قرار داد، از جمله ۱۵۶ شرکت لابی‌گری که علیه پیش‌نویس مواجهه صحبت کردند و ۱۶۴۶ شرکت دیگر (غیر لابی‌گری). نتایج (ندوبیز و همکاران ۱۹۹۳) از نظر گزارش شده توسط (فرانسیس ۱۹۸۷) با (ندوبیز و همکاران ۱۹۹۳) متفاوت است. دریافت که فقط نوسانات درآمد-متغیری که در مطالعه قبلی لحاظ نشده است - در توضیح تصمیم برای ارائه نظرات در مورد پیش‌نویس مواجهه مهم است. این نتیجه این فرضیه تدوین شده را تأیید می‌کند که شرکت‌هایی که نوسانات بالایی در درآمد دارند قبل از تصویب یک استاندارد جدید، بیشتر به دنبال لابی هستند.

کار دیاکین (۱۹۸۹) به دنبال بررسی روند تنظیم حسابداری در صنعت نفت برای شرکت هایی بود که پیشنهادات خود را به FASB ارائه دادند. نویسنده از نمونه ای از شرکتها استفاده کرده است که از روش هزینه کامل استفاده کرده اند زیرا این شرکتها بیشتر تحت تأثیر پیشنهاد FASB قرار می گیرند. برای تعریف متغیر وابسته، نویسنده شرکت ها را به عنوان لابی (کسانی که اظهار نظرهای تخفیف آمیز در مورد یادداشت بحث FASB یا پیش نویس قرار گرفتن در معرض آن را تخفیف می دهند) و غیر لابی (کسانی که هیچ نظری ارائه نمی دهند) طبقه بندی کرد. نویسنده از یک مدل رگرسیون لجستیک برای آزمون فرضیه های مربوط به میثاق های محدود کننده مالی و برنامه های جبران مدیریت مبتنی بر عملکرد استفاده کرد و دریافت که شواهد تجربی با این فرضیه ها سازگار است. (سانتون، ۲۰۱۴)

لابی‌گری و مشروعیت اجتماعی

سانتون (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان "لابی‌گری در مقررات حسابداری" چنین عنوان می کند که نظریه نهادی سازمانها را در یک محیط اجتماعی قرار می دهد و صریحاً تأثیر محیط اجتماعی خارجی را بر فعالیتهای داخلی یک سازمان، که به دنبال کسب مشروعیت یا حفظ پذیرش اجتماعی است، تشخیص می دهد (کنی و لارسون، ۱۹۹۳).

در این زمینه، سازمانهایی مانند IASB برای بقا از رای دهندگان خود مشروعیت می جویند. درخواست نظر در مورد محصولات خود (استانداردهای اعتراض آمیز) از طرف های ذینفع، یک استراتژی است که IASB در تلاش برای دستیابی به مشروعیت خود به کار گرفته است (کنی و لارسون، ۱۹۹۳). در نتیجه، گروههای مختلف منافع، که به دنبال مشروعیت و به رسمیت شناختن از همتایان خود هستند، می توانند آزادانه در روند تنظیم استاندارد این نهادهای نظارتی شرکت کنند، حتی اگر گروههای علاقه مستقیماً تحت تأثیر یک پیشنهاد هنجاری قرار نگیرند (چاهام و همکاران، ۲۰۱۰). با توجه به اینکه فرآیند تنظیم استاندارد یک فرایند سیاسی است، سازمانهایی مانند IASB باید بطور مداوم بر نیازهای رأی دهندگان خود نظارت کرده و فعالیتهای خود را متناسب با این نیازها تنظیم کنند. (کنی و لارسون، ۱۹۹۳)

با توجه به ماهیت اجتماعی تنظیم استاندارد حسابداری، که شامل تعاملات بین بسیاری از احزاب است، بنابراین از منظر نظریه های جامعه شناسی، مشروعیت کلید اصلی بقا سازمان است.

متدولوژی پژوهش‌ها زمینه لابی‌گری

همانند سایر پژوهش های برای بررسی درستی فرضیه ها از داده ها و روش ها کمک گرفته می شود. بنابراین در بحث لابی‌گری هم از طرق مختلفی این امر اتفاق می افتد. بعنوان مثال، پروچازکا (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان "لابی‌گری در مورد استانداردهای هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی (IASB)" برای جمع داده های پژوهش از طریق نظرنامه ها که در دستور کار IASB بود، کمک گرفت. اطلاعات تفصیلی این نظر نامه ها در وب سایت IASB در گروه های مختلف در خصوص پروژه های در حال انجام و پروژه های به پایان رسیده، موجود است. و یا در پژوهش دیگر مک لی (۲۰۰۰) با محوریت "لابی سازندگان و تأثیر آن در تدوین مقررات گزارشگری مالی: شواهدی از آلمان" از طریق موضوعاتی که از طریق عموم مردم مطرح می شود، اقدام به جمع آوری داده کرده است به این صورت که آزمونهای تجربی با استفاده از تفسیرهای منتشر شده توسط سازمان های نماینده در طی فرآیند تحول، ترجیحات سه حوزه حسابداری اصلی آلمان (شامل؛ صنعت، حسابرسان و کارشناسان دانشگاهی) در طی مراحل پیش نویس قانون فرآیند تحول انجام می شود. برای تمام موضوعات حسابداری بررسی شده، هر دو انجمن صنفی پیشنهادهای مشابهی ارائه دادند. برای ساده سازی تجربی و افزایش تجزیه مدل، ما این دو انجمن را جمع می کنیم و یک گروه صنعت واحد را تشکیل می دهیم که به عنوان IND نشان داده می شود. به همین ترتیب، از آنجا که موسسه حسابرسان و اتاق حسابرسان در تمام مراحل تحول متحد هم صدا بودند (اوردلپهید، ۱۹۹۹)، ما این دو طرف را جمع می کنیم تا یک گروه حسابرس واحد تشکیل دهیم که AUD نامیده می شود. پیشنهادات ارائه شده توسط کمیته حسابداری انجمن دانشگاهیان مطالعات بازرگانی آلمان ACA مشخص شده است.

برای هر گروه لابی (AUD, IND, ACA)، تمام نظرات موجود برای شناسایی هر پیشنهاد رسمی مورد بررسی قرار گرفت. در مجموع ۱۶۹ موضوع جداگانه شامل جنبه‌های ارزیابی، شناسایی، افشای اطلاعات و قالب صورت‌های مالی مشخص شد که حداقل یکی از سه گروه به طور رسمی در مورد آنها اظهار نظر کرد. ماهیت این پیشنهادها به گونه‌ای بود که به وضوح (I) ماده قانونی خاص مورد بحث و (II) روش حسابداری پیشنهادی لایست را نشان می‌دادند. (استوارت مک لی و همکاران، ۲۰۰۰)

مطابق با بسیاری از ادبیات موجود در زمینه تنظیم حسابداری، ما الگوی کثرت گرایانه را به عنوان ابزاری برای عملی‌سازی مفهوم قدرت سیاسی در پیش می‌گیریم. در این چارچوب، قدرت با تشخیص آن دسته از لابی‌گرانی که در نهایت پیشنهادات آنها (یعنی موفقیت آمیز) پذیرفته شده است، از کسانی که پیشنهاداتشان رد می‌شود (یعنی ناموفق) ارزیابی و تفکیک می‌شود. لابی‌گرانی که بالاترین سهم از "موفقیت‌ها" را دارند بیشترین تأثیر سیاسی را نشان می‌دهند در حالی که کسانی که کمترین سهم را دارند کمترین تأثیر را دارند. برای ۱۶۹ موضوعی که حداقل یکی از این سه گروه پیشنهاد تغییر در قانون را داده‌اند، پیشنهادات با الزامات قانونی موجود در متن نهایی قانون دستورالعمل‌های حسابداری مقایسه شده است. برای هر عامل، یک توصیه مربوط به عملکرد حسابداری که در نهایت توسط قانون بخشنامه‌های حسابداری مورد نیاز است تا به عنوان "موفق" طبقه بندی شود. متناوباً، فرض می‌شود که پیشنهادی که با عملکرد مورد نیاز قانون بخشنامه‌های حسابداری مطابقت نداشته باشد، "ناموفق" است. سرانجام، در صورتی که یک لابی‌گر پیشنهادی رسمی (یعنی در دسترس عموم) در مورد یک موضوع خاص ارائه ندهد، از آن به عنوان عدم وجود فعالیت لابی استنباط می‌شود. (استوارت مک لی و همکاران، ۲۰۰۰)

در پژوهش دیگری توسط کیرش (۲۰۰۱) با عنوان "لابی‌گری و کمیته بین‌المللی استانداردهای حسابداری" انجام گرفت که در آن محقق در مارس ۱۹۹۹ و نوامبر ۲۰۰۰ از دفتر یاسک (IASB) به عنوان نهاد تعیین استاندارد بین‌المللی با دولت‌ها، نهادهای ملی تنظیم مقررات و تعیین استاندارد و لابی‌گران شرکتی و حسابرسی متعددی سر و کار داشته است) بازدید کرد. وی اجازه یافت تا یادداشت‌ها و پیش‌نویس‌های هیئت مدیره یاسک در بازه زمانی سال ۱۹۸۸ تا مارس ۲۰۰۰ را بررسی کند. ضمناً در مارس ۱۹۹۹ خودش با دکتر پل پاکتر و در نوامبر ۲۰۰۰ به همراه همکار تحقیقاتی‌اش با آقای جیمز سالومان مصاحبه کرد. محققان توانستند با کنار هم چیدن این مصاحبه‌ها، بررسی یادداشت‌های هیئت مدیره و تحلیل محتوای اسناد مربوطه، تصویری از لابی‌گری و یاسک را ایجاد کنند.

و گاهی اوقات هم جمع داده‌ها و اطلاعات بطور مستقیم و از طریق مصاحبه با اعضای چند عضو IASB (هیات استانداردهای حسابداری بین‌المللی) و EFRAG (مشاوران گزارشگری مالی اروپا) صورت گرفته است. به عنوان نمونه به پژوهش صورت گرفته توسط ویچ کاتارینا و گرونولد (۲۰۲۰) با موضوع "لابی‌گری در IASB و نقش EFRAG" که در آن برای جمع‌آوری داده‌های کیفی، از رویکرد گلوله برفی^۴ (مایلز و هوبرمن، ۲۰۱۳)؛ همچنین به (مالش و سالتریو، ۲۰۱۶) مراجعه کنید) را دنبال کرده است. به این صورت که مصاحبه خود را با چند عضو IASB و EFRAG را آغاز کردند که برای آنها قابل دسترسی بودند. همچنین تلاش کردند از اعضای که در کشورهای متفاوت هستند مشارکت دریافت کنند.

به طور کلی، آنها سیزده مصاحبه نیمه ساختاریافته را بین سپتامبر ۲۰۱۴ و مه ۲۰۱۵ انجام دادند که به طور متوسط ۶۰ دقیقه طول کشید، کوتاه‌ترین مصاحبه ۳۴ دقیقه و طولانی‌ترین ۱۲۱ دقیقه طول کشید. در کل، مصاحبه‌ها تقریباً ۱۲:۵۰ ساعت به طول انجامید. آنها هفت مصاحبه حضوری و شش مصاحبه تلفنی انجام دادند. آنها نتوانستند تفاوت معناداری در رفتار پاسخ بین این دو قالب پیدا کنند. نویسندگان همه مصاحبه‌ها را

2 International Accounting Standards Committee (IASB)

3 European Financial Reporting Advisory Group (EFRAG)

4 Snowball

5 Miles, M. B. & Huberman, M. (2013). "Qualitative data analysis: A methods sourcebook (3rd ed.)". Thousand Oaks, CA: Sage Publications, Inc.

6 Malsch, B. & Salterio, S. E. (2016). "Doing good field research": Assessing the quality of audit field research. *A Journal of Practice & Theory*, 35(1), 1-22.

انجام داده است. همه مصاحبه شوندگان مجاز به ضبط صدا از مصاحبه‌ها بدون هویت بودند که هویت آنها در گزارش‌های این تحقیق ناشناس باقی بماند. (ویج کاتارینا و گرونولد، ۲۰۲۰)

نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش تبیین لابی و رفتار لابی‌گری و بررسی گونه‌های مختلف رفتار لابی‌گران در سطح مختلف تنظیم و مقررات حسابداری بوده است. در همین راستا لابی و لابی‌گری را به عنوان ابزاری در جهت رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده از قبیل کسب منافع اقتصادی بطور مستقیم و غیر مستقیم، جلوگیری از مخاطرات به واسطه‌ی وجود یا عدم وجود مقرراتی خاص، کسب مشروعیت اجتماعی و .. بیان شده است. امروزه لابی‌گری به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر در کلیه حوزه‌ها شناخته شده است که به اشکال مختلف رشد و نمو پیدا می‌کند. گاهی اوقات بصورت جلسات مستقیم با اعضای تنظیم‌کننده و یا مصوب‌کننده مقررات، گاهی اوقات از طریق جلسات خصوص (میزگرد) و یا گاهی اوقات از طریق مشاوره دادن به اعضای گروه‌های عملیاتی تنظیم‌کننده و یا مصوب‌کننده استاندارد و قوانین و مقررات حسابداری نمایان می‌شود. که بر این اساس گاهی باعث توقف پروژه‌هایی که در مرحله پیش‌نویس اند یا رد پیش‌نویس اولیه هم می‌گردد و یا حتی باعث به جریان انداختن پروژه‌هایی می‌شود که قبلاً بنا به هر دلیلی کنار گذاشته شده اند.

اما همانند سایر پژوهش‌ها، پژوهش در حوزه لابی هم دارای محدودیت‌هایی است. در وهله اول، با استفاده از داده‌های کل در مورد تعداد نظرنامه‌ها، ما نمی‌توانیم تشخیص دهیم که دلایل اصلی اختلاف نظر عموم مردم برای هر پروژه چه بوده است و چه عواملی تصمیمات IASB را برای تجدید نظر یا متوقف کردن پروژه متعاقباً سوق داده است. علاوه بر این، ما ترکیب پاسخ دهندگان را تجزیه و تحلیل نکردیم، که ممکن است برخی شواهد اضافی در مورد رفتار لابی و تفاوت در اهمیت نسبی گروه‌های خاص از لابی‌ها و تأثیر آنها بر تصمیمات IASB نشان داده باشد.

در وهله دوم، تمرکز صرف بر اظهار نظر، باعث می‌شود که سایر روش‌های دیگر را نادیده گرفته شود، که این امر می‌تواند توسط طرف‌های آسیب‌دیده برای لابی‌کردن بر روی پیشنهادات IASB مورد استفاده قرار گیرد. با این حال، نفوذ غیر مستقیم از طریق نمایندگان سیاسی به سختی قابل مشاهده است، زیرا احزاب لابی‌گر، پشت سیاستمداران پنهان هستند. به همین ترتیب، اقدام از طریق تماس مستقیم با تنظیم‌کنندگان استاندارد نیز با دشواری قابل تشخیص است، زیرا مشاهده تمام جلسات شخصی لابی‌گران با تنظیم‌کنندگان استاندارد و ضبط موضوع گفتگوهای آنها غیرممکن است. محققان ممکن است به عنوان مثال فعالیتهای ارتباطی IASB، که طی آن یک پروژه به مردم معرفی می‌شود و با آنها بحث می‌شود را ردیابی کنند. با این حال، مشارکت کل در همه جلسات امکان‌پذیر نیست. اگرچه این محدودیت در تمام مطالعات مربوط به لابی‌گری در مورد استانداردهای حسابداری مشترک است. اما نقش استراتژیک لابی و لابی‌گری، قابل چشم‌پوشی نیست و بررسی و پژوهش در این خصوص، منجر به ایجاد دیدگاهی از نقش و اهمیت بسزایی که لابی در فرایند تنظیم و مصوب مقررات حسابداری دارد، را بدنبال خواهد داشت.

منابع و مأخذ:

- Allen, abigail m., karthik ramanna, and sugata roychowdhury. *"the auditing oligopoly and lobbying on accounting standards."* harvard business school working paper, no. 13-054, december 2012. (revised august 2013.)
- Ang, nicole and gallery, natalie and sidhu, baljit k (2000). " *the incentives of australian public companies lobbying against proposed superannuation accounting standards*". Abacus 36(1):pp. 40-70.
- Stuart mcleay a , dieter ordelheide b, steven young (2000). " *constituent lobbying and its impact on the development of nancial reporting regulations: evidence from germany*" . Accounting, organizations and society 25 (2000) 79-98.
- Odilanei Moraes dos Santos, Ariovaldo dos Santos (2014). " *Lobbying on Accounting Regulation: Evidence from the Oil Industry*" . https://www.scielo.br /scielo.php ?pid =S1519 - 70772014000200124&script=sci_arttext&tlng=pt
- Roland Königsgruber (2010) . " *A Political Economy of Accounting Standard Setting*", Vol. 14, Issue 4, pp. 277-295.
- Robert J. Kirsch , Robert Day (2001) . " *Lobbying and the International Accounting Standards Committee*" . Working Paper. Poole, UK: Bournemouth University School of Finance and Law. (Unpublished)
- Procházka D. (2015). " *Lobbying on the IASB Standards: An analysis of the Lobbyists' Behaviour over Period 2006–2014*". Copernican Journal of Finance & Accounting, 4(2), 129–143. <http:// dx.doi.org/10.12775/CJFA.2015.020> .
- Weiß, Katharina and Gronewold, Ulfert, " *Lobbying the IASB: The Role of EFRAG*" (April 6, 2020). Available at SSRN : <https ://ssrn.com/abstract=3628437> or <http:// dx.doi.org /10.2139/ ssrn.3628437>